

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه مریم (جله چهارم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۳/۱۱/۲۹

جهت اینکه خداوند به ما توفیق اخلاص در عبادت بدهد و ما را ذاکر خدا کند تا از مواهب آن بهره مند شویم

صلوات

یکی موهبت های خدا به انسان بحث ذکر است. منافعی که از ذکر خدا نصیب انسان می شود خیلی بیش از تصور اوست. برای اینکه بتوانیم نهایت بهره را از ذکر الهی ببریم **صلوات**

سوره مریم یکی از سوره هایی است که بطور اختصاصی درباره ذکر خداوند مطالب مبسوطی را مطرح می کند. در این سوره بیان می شود که اگر کسی در زندگی اش همواره ذکر خدا جریان داشته باشد چه تغییراتی در زندگی اش اتفاق خواهد افتاد و در ادامه هم نمونه هایی را ذکر می کند که ذکر الهی در ایشان جریان یافته تا طمع مخاطبین سوره برانگیخته شود تا ذکر الهی در زندگی آنها نیز جاری شود.

بحث ذکر الهی در سوره همان موهبت الهی است و نشانه رحمت خداوند است. بحث دیگر هبه و یا موهبه و اعطا است که در این سوره اهمیت فراوانی دارد.

اگر بخواهیم درباره این صحبت کنیم که مفهوم ذکر چیست و بخواهیم به آن نزدیک شویم زمان زیادی نیاز داریم اما شاید بتوان این مقدار گفت که ذکر یک توان است که به موجود عطا می شود تا بواسطه آن قدرت بتواند حقایق را در خود جاری کند. در واقع ذکر بیشتر یک نوع ساختار است و بنظر می رسد با آن مفهومی که ما از ذکر در ذهن داریم متفاوت است، هر چند که آن معنا نیز ذکر است اما تفاوت هایی بین آنها وجود دارد.

اطمینان جز نشانه های جاری شدن حقایق (ذکر) است. لذا در آیه آمده «الا بذکر الله تطمئن القلوب» زیرا خدا اطمینان قلبی را فقط با ذکر خودش به انسان عطا می کند و تنها بوسیله ذکر اوست که می توان به اطمینان و امنیت رسید. بحث ذکر به تدریج به بحث نماز ارتباط پیدا می کند زیرا نماز ذکر اکبر خداست و نماد ذکر می شود "نماز".

هر کس می‌خواهد در موضوع ذکر کار کند یا آن را در زندگی‌اش جاری کند باید روی موضوع نماز کار کند.. انسان را بعنوان یک موجود انس‌ورز فرض کنید. موجودی که می‌تواند تحت تاثر هر چیزی قرار بگیرد و با هر چیزی خو بگیرد. حتی با مشکلات و دردهای خودش هم به مرور انس پیدا می‌کند و این بدلیل انس ورز بودن اوست. اینکه او در اثر همجواری با اشیاء، اشخاص و رخدادها قالب پیدا می‌کند "شاکله" گفته می‌شود. شاکله خصوصیت انسان است برای همین هر کس در هر خانواده‌ای که هست صفات را از آن دریافت می‌کند. این بدلیل همان تاثیری پذیری است که وجود دارد. مثلاً پدر بداخلاق به بچه قالب بداخلاقی می‌دهد و پدر خوش اخلاق قالب خوش اخلاقی را..

حالا این انسان یک موهبتی به او اعطا شده است به نام ذکر. این یعنی اینکه انسان می‌تواند همجوار ذکر خدا بشود. این قدرت به انسان داده شده تا شاکله خودش را بواسطه این موهبت الهی تغییر بدهد. انسان با این قدرت می‌تواند تمامی شرایط بیرونی را کنار زده و فقط با ذکر خدا همجوار شود. وقتی اینگونه شد، نورانی می‌شود.. خداوند هم فقط در این حالت از انسان رضایت دارد و او را می‌پذیرد. چون انعکاس نورانیت شکر است و عدم انعکاس آن کفر. ذکر هم در واقع برای انسان یک نعمت است که باید بداند در برابر آن باید چه واکنشی از خود نشان بدهد.

همین مقدار که انسان با ذکر خدا انس بگیرد روح او و حتی اعضا و جوارح او نورانی می‌شود. نورانیت یعنی اینکه هم سنخ خدا می‌شود. هر کس همجوار با خدا شود صبغه الله می‌شود یعنی تار و پودش جلوه خدا می‌شود. در صبغه الله بحث رنگ خدا نیست بلکه منظور نمود جلوه‌های ربوبی خداست. انسان با هر چیزی که انس بگیرد، اثر آن چیز در او تشدید می‌شود.

نتیجه کلام اینکه به اندازه‌ای که ما کدورتی که در درونمان احساس می‌کنیم.. به میزان غبار، دوری از حقایق، احساس بد و نارضایتی که به خودمان و زندگی‌مان داریم، شاکله مان از ذکر خداوند دور است. این احساس‌ها متعلق به شاکله بی‌بهره از ذکر خداست.

باید روزی به فکر چاره بیفتیم و با ذکر خدا این شاکله را ازین وضعیت آشفته و بیچارگی نجات بدهیم. بحث ذکر خدا می‌رود روی بحث نماز و اینجاست که موضوع نماز اهمیت پیدا می‌کند. نماز باید اولویت اول هر مسلمانی باشد چون ذکر الهی توسط هر وعده نماز به انسان‌ها اعطا می‌شود و امید است که او از آن بهره ببرد.

کدورت‌های لحظه‌ای در دنیا طبیعی است اما این وقتی این کدورت‌ها زمانش طولانی شود خطرناک است چون شاید او را در این حالت نگه دارد و نتواند قدم بعدی را بر دارد.

خیلی از غم و هم‌هایی که ما در زندگی داریم بخاطر دوری از ذکر خداست. چون در ذکر خدا آرامش و اطمینانی است که انسان را از هر غمی نجات می‌دهد.

این نکته نیز مهم است که هر انسانی به میزان فهم و فعالیت و.. خودش نیاز بیشتری به ذکر خدا دارد.

در سوره مبارکه مریم واژه رحمن زیاد تکرار شده است. رحمن مربوط به فیضی است که هستی می‌آفریند یعنی شاکله و تکوین انسان را تغییر می‌دهد. رحیم یعنی هدایت می‌آفریند. اینکه حضرت مریم(س) دعا می‌کند و به دعای ایشان نعمات بهشتی تمثیل پیدا می‌کنند تجلی رحمانیت خداوند است.

انسان باید کاری کند تا شاکله‌اش ذکر خدا بشود. اگر این اتفاق بیفتد او تنها در خود جلوه‌های الهی را مشاهده خواهد کرد.

آرامش و امنیت بعد از ایمان است. مثالش این است که بر فرض جایی آتش بگیرد.. در این شرایط همه دنبال مفری هستند تا خود را نجات دهند چون احساس اطمینان ندارند که سالم بمانند اما در همین حین فردی که لباس نجات پوشیده وارد می‌شود و همه را نجات می‌دهد و هیچ اثری از تشویش هم در او دیده نمی‌شود.. چون او لباس ضد آتش دارد و اطمینان دارد که به او آسیبی نخواهد رسید. آرامش یعنی اینکه فرد در برابر مصائب دچار اضطراب و نگرانی نمی‌شود. آرامش بابتی خیالی یکی نیست! آرامش یعنی فرد ثبات فکری دارد و در باور خودش ثابت است و همین باعث می‌شود تا هیچ چیزی او را بهم نریزد. در حالیکه در بی‌خیالی اصلاً باوری وجود ندارد..

رحمت خدا یک فیض جاری است. سوره‌هایی که "ص" دارند(مثل سوره مریم، ص و اعراف) اشاره به جریانی دارند که سیراب کننده است. حالا این جریان یک گیرنده می‌خواهد تا این رحمت را دریافت کند. این رحمت در هنگام برداشت بصورت "ذکر" است. انسان می‌تواند با ذکر خدا رحمت او را به خود جلب کند و شاکله‌اش را پر از رحمت کند. وقتی موجودی مانند انسان که دارای شاکله است رحمت را در خود جای می‌دهد می‌شود "نعمت". ولذا به این دسته از عباد می‌گویند انعم الله علیهم.. یعنی کسانی که به آن‌ها نعمت داده شده است. در این شرایط او در هر جمعی که قرار بگیرد هست نعمت الله است چون دیگران را به بهره می‌رساند. خود این جریان استفاده از رحمت و تبدیل آن به نعمت "شکر" نامیده می‌شود.

مقام اخلاص مقام کسانی است که شاکله‌شان می‌تواند تمام ذکر خدا را انتقال دهد. یعنی شاکله‌شان سراسر پاکی است و در آن شائبه‌ای وجود ندارد. اخلاص مقام انتقال و رسانایی است و مقام اخلاص به پاکی و طهارت شاکله انسان مربوط می‌شود.

برویم سراغ بقیه آیات..

وَ وَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳)

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۴)

نبی یعنی کسی که جایی رفته که مرتفع است و بواسطه بلندی آن موقعیت می‌تواند چیزهایی را ببیند و بشنود که بقیه نمی‌بینند.. اما وقتی او از آن‌ها باخبر شود، اخبار رادر اختیار بقیه هم قرار می‌دهد.

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵)

مرضی بودن او یعنی اینکه مولایش از او راضی است. یعنی هرکاری که از او خواسته او آن را انجام داده است.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (۵۶)

اینه معنی چرا و ارائه دلیل می‌دهد. یعنی خداوند برای ذکر ادريس(ع) در قرآن ارائه دلیل کرده است.

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَةِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَ مِن ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْرَائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَانِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكْيًا (۵۸)

این ایه ویژه‌ای برای انتقال ذکر خداست. آیه ۵۸ از آن آیه‌هایی است که اگر هر روزی هم بخوانید خیلی برایتان خواستنی است و از آن چیز جدیدی فهم خواهید کرد.

خروا به معنای بی اختیار به سجده افتادن است. خداوند این عباد را اینگونه توصیف می‌کند که ایشان هنگام مواجهه با آیات دیگر حال خودشان را نمی‌فهمیدند و با صورت به خاک می‌افتند. یعنی دیگر شاکله‌ای برایشان باقی نمی‌ماند که بخوانند خودشان را در برابر آیات حفظ کنند.. شاکله‌شان یکسره می‌شود ذکر خدا. این عظمت ذکر الهی وقتی او را دربر می‌گیرد خشیت بر او مستولی می‌شود.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا (۵۹)

با این آیه جریان بالا عوض می شود. یعنی آیه قبل را به همه افراد تعمیم می دهد و ذریه شان را هم به آن ها متصل می کند.

طبق آیه ۵۹ اگر انسان اضاعه نماز داشته باشد و تبعیت از شهوات و خواهش ها کند، به او القای غی خواهد شد. در واقع او مستوجب القای غی می شود. در مقابل اگر اهتمام به نماز داشته باشد و از شهوات تبعیت نکند حرکتش رو به رشد خواهد بود و روز به روز به رحمت الهی و انعم الله نزدیک تر می شود.

از منظر قرآن مراتب رشد تابع میزان نماز و تبعیت نکردن انسان از شهوات است. لذا در روایات آمده که وقتی خواستید خودتان را بسنجید، ببینید خوبی و آدم های خوبی برایتان نزدتان چگونه است و چه ارزشی دارد.

در خود نماز ارکان و اجزایی وجود دارد که آن را تبدیل به شاکله نورانی می کند. نماز یک شاکله ای دارد یعنی ابعاد و اجزا دارد. مثلاً نماز صبح شاکله اش دو کعتی است و باید قرائتش جهر باشد و قبلش وضو گرفته شود و.. این خیلی مهم است که خدا یک عبادت را دارای اجزا و ارکان کرده است. این ارکان همگی نورانی است. یعنی تکبیر الاحرام همان قرائت است و قرائت همان تشهد است و... منتها در مراتب با هم فرق دارند اما همگی از جنس نورند. خداوند آمده و در یک عبادتی که حقیقت آن مجرد محض است، بالا و پایینی قرار داده تا متناسب با بالا و پایین زندگی ما برایمان بهره داشته باشد.

اصلاً صلاه مختص به انسان است. و خود نماز ساختار وجودی انسان معصوم است. خداوند در بین این ارکانی که ایجاد کرده، حقایقی را قرار داده است تا به انسان انتقال پیدا کند. یعنی مثلاً اول می گوید تکبیر و بعد رکوع و بعد سجده و.. هر کدام یک بار معنایی دارد. یعنی این ها هر یک مقدمه، لازمه و نتیجه عبودیت هستند. برای همین کسی که نماز می خواند باید بداند ارکان آن نماد کارهایی است که ما در طول روز انجام می دهیم. مثلاً تکبیر الاحرام یعنی اینکه ازین به بعد هر حکمی که مربوط به غیر خداست را پشت سرم انداختم و آن را نحر کردم و از هر چیزی قطع تعلق کردم.

قرائت یک عملیات دیگری است.. قرائت مربوط به تثبیت علم در درون انسان است. یعنی او خوب ببیند و خوب بشنود تا بوسیله علمی که در او ایجاد می شود ارتقاء پیدا کند.

قیام یعنی هر لحظه باید برای انجام فرمان الهی آماده باشد.

رکوع بیان کننده حالت اطاعت از احکام الهی است. سجده نیز نماد اطاعت همراه با نفی تمام منیتهاست..

همینطور که پیش می‌رویم خواهیم دید که همگی مراتبی از وجود واحدی ست در زندگی انسان و صحنه‌های مختلف زندگی او جاری شده است. لذا وقتی که نماز تمام شود به سلام می‌رسیم یعنی وضعیت ایمنی کامل از هر شر.

حالا با توجه به اهمیت بحث نماز به این سوال به صورت نکته‌ای پاسخ بدهید که چه کنیم تا نمازمان از این وضعیتی که هست بهتر شود:

۱. مواظبت کردن بر نمازها: در خواندن نماز در اوقات شرعی اهتمام داشته باشیم بالاخص نماز صبح چون عموماً در مورد سروقت بودن آن غفلت می‌شود.

۲. تمهیدات نماز از قبل اندیشیده شود تا به اول وقت خواندن آن موفق شویم.

یک سوالی را مطرح می‌کنیم تا دوستان برای جلسه آینده جواب‌هایشان را آماده کنند: چگونه میل و رغبت خود را به نماز خواندن افزایش دهیم به گونه‌ای که بصورت تکوینی نماز برایمان با اهمیت شود و نه بصورت تصنعی و قراردادی؟..

اینطوری مثلاً اگر کسی کاری داشت یا بچه‌مان نگذاشت نمازمان را سر وقت بخوانیم کنترل‌مان را از دست ندهیم بلکه نماز در طبع‌مان جای خواهد داشت. اگر نماز خواندن برای ما تکوینی بشود نماز خواندن و نماز نخواندن بطور درونی خیلی برایمان تمایز دارد.

باید دنبال آن راهی باشیم تا ما را به بلوغی برساند تا نماز برایمان موضوعیت پیدا کند و شیرین شود.

اگر کمی در نماز انسان تغییر ایجاد شود، در زندگی او تحول ایجاد خواهد شد حتی در صورت ظاهری آن..

انشاءالله که بواسطه قرین بودن با نماز زندگی ما نیز مورد تحول واقع شود **صلوات**

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات